

بررسی نقش مربیان در تربیت نسل منتظر

چکیده

معرفت به امام عصر(عج الله تعالی فرجه الشریف) و زمینه سازی ظهور آن حضرت از جمله مباحثی است که امروزه توجه به آن افزون گشته و به نحوی تلاش می شود تا از سوی هر نهاد و تشکل مهدوی در این راستا قدمی برداشته شود، این خود مستلزم آن است که مربیان جامعه اسلامی به اصول تربیت مهدوی واقف بوده و در ایفای مسئولیت و وظیفه خود دچار اشتباه و تعلم خطا قرار نشوند.

این پژوهش سعی در تبیین نقش مربی در تربیت مهدوی از طریق بیان ویژگی های کلی مربیان در جامعه اسلامی دارد. در این مقاله واکاوی در زمینه های تربیت مهدوی در تمامی ابعاد مورد بررسی قرار می گیرد، و نیز کارکردهای تربیت کردن افراد مهدوی در اجتماع را بیان می کند.

نتیجه به دست آمده بیانگر آن است که مربیان تربیتی تا چه اندازه در تمامی ابعاد می توانند افراد جامعه و به خصوص نسل جوان را در پیشبرد جامعه به سمت اهداف خود یاری رسانند و در نهایت فردی که تحت تعالیم مربیان تربیتی خود رشد کند با بهره گیری از این تعالیم می تواند جامعه را برای ظهور آن حضرت (عج الله تعالی فرجه الشریف) آماده سازد.

واژگان کلیدی: مهدویت، تربیت مهدوی، ابعاد تربیت، تاثیرات تربیت مهدوی

طرح بحث

یکی از مسایل مهمی که پس از مساله باورداشت مهدویت به ویژه در سالهای اخیر توسط مسئولان و سیاست گذاران فرهنگی و تربیتی و خانواده ها مطرح بوده مسئله تربیت نسلی مهدوی و نقش مربیان در پرورش مهدوی افراد است که این موضوع آسیب ها و دغدغه های فراوانی را برای مربیان تربیتی در جامعه و مسئولین تربیتی ایجاد کرده است.

در دنیای کنونی با توجه به گسترش سریع فناوری و ارتباطات، صنعتی شدن جوامع و نیازهای متنوع عصر حاضر دایره تاثیر گذاری عوامل مختلف بر افکار و اندیشه های افراد را گسترده تر از گذشته کرده است. بنابراین نیاز به وجود مربیان در تکوین شخصیت مهدوی افراد، روز به روز پر رنگ تر می شود.

اعتقاد به مهدویت و ظهور منجی موعود و مصلح زمان به عنوان غایت و نهایت زندگی بشر، در مکتب تشیع اهمیت ویژه ای دارد، و به لحاظ ریشه داشتن در مبانی اعتقادی و عملی شیعیان، دارای نقشی مهم در همه ابعاد زندگی آنهاست و به جرأت بیشترین تجربه های معنوی، عرفانی و اخلاقی در تاریخ شیعه، مرهون فرهنگ مهدوی و فرهنگ حسینی است. فرهنگ سازی معرفت به امام عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) و زمینه سازی ظهور آن حضرت از جمله مباحثی است که امروزه توجه به آن افزون گشته و به نحوی تلاش می شود تا از سوی هر نهاد و تشکلی مهدوی در این راستا قدمی برداشته شود

در این راستا بر منتظران واقعی و علمای جامعه اسلامی است که نسبت به پرورش نسلی منتظر و تبیین آموزه مهدویت همت بگمارند که البته نقش و رسالت تمامی مربیان در جامعه علی الخصوص والدین و اجتماع بسیار حیاتی است



نقش مربی در پرورش مهدوی افراد

نخستین عامل سرنوشت ساز در تربیت انسان ها ، نقش مربی است. انسان همواره به مربی نیازمند بوده و برای شکل دادن به شخصیت خود، نمونه و سرمشق می طلبد. این مربی است که معمار شخصیت انسان است و الگو و قاعده و دستوری مجسم، که آدمی، آگاهانه یا ناخودآگاه از او تقلید کرده و شخصیت خود را طبق آن می سازد. لذا برای تربیت شدن هر فرد، نیاز به یک مربی است که راهنما و مرشد او برای رسیدن به سعادت اوست.

و در همین رابطه امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: «هَلَكَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يُرْشِدُهُ»؛ (مجلسی ، بحار الانوار، ص ۱۵۸)؛ آن کس که فرزانه ای ارشادگر ندارد هلاک خواهد شد.

بنا بر فرمایش امام سجاد (علیه السلام) انسان هیچ گاه از هدایت و تربیت مربیان و چهره های الهی بی نیاز نیست، چرا که اگر از این چهره ها دوری کند به هلاکت خواهد رسید؛ و یکی از دلایل استمرار مساله «امامت» و خالی نبودن زمین از حجت (که از مسلمات آیین ما است) در همین نکته نهفته است، زیرا که اگر امامان و چهره های صالح و شایسته نبودند تا با اقتدای به سیمای «فکری، اعتقادی، علمی، عملی و اخلاقی» آنان، شخص درس فضیلت بیاموزد، سعادت او در دنیا و آخرت از بین می رفت و شخص به هلاکت می رسید.

اما در این تحقیق منظور از مربی، تنها مربی به معنی آموزگاران نیست، بلکه مفهوم مربی، وسیعتر و شامل تعالیم دینی و خانواده و اجتماع می شوند و در اصل این ها هستند که پایه گذار پایه های تربیتی فرد هستند و می توانند شخص را به سمت سعادت و یا شقاوت بکشانند. (کاردان، فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۲۸)

مربی برای اینکه بتواند تاثیر تربیتی روی دانش آموزان داشته باشد باید دارای ویژگی های زیر باشد که همه از آن آگاهند اما برخی از این ویژگی ها در امر تربیت دینی و مهدوی دانش آموزان



تاثیر مستقیم دارد.

۱) مومن بودن

مربی و معلم دینی باید خودش نسبت به آنچه آموزش می دهد مومن بوده و به ارزش و اهمیت کار خود ایمان داشته باشد و هم باید دائماً در حال افزایش دانش خود باشد و اطلاعات خود را نسبت به مسائل دینی به روز کند .

اخلاق و عمل معلم تاثیر به مراتب قوی تری نسبت به سخن و کلام او بر شاگردان دارد. لذا در روایات بسیاری از ائمه معصومین (علیهم السلام) ، در خصوص اهمیت صداقت در گفتار و کردار سفارش شده است. پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) درباره اهمیت سجایای اخلاقی هادی و راهنمای جامعه می فرماید: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ (عبد الملک، کنز العمال، ج ۳، ص ۱۶)؛ همانا من مبعوث شدم فقط برای این که مکارم اخلاقی را کامل نمایم.

بنابر این با توجه با اینکه پیامبر (صلی الله و علیه و آله و سلم) الگو و اسوه ی اخلاقی برای تمام افراد بشر هستند، یک مربی نیز باید با تاسی از رفتار پیامبر (صلی الله و علیه و آله و سلم) دارای اخلاق و عمل شایسته باشد.

مربی و معلم با رفتار درست به شاگردان خود می آموزد که تلاش و مساعی تحصیلی خود را باید صرف آموزه های مفید و پاک نمایند و آنچه می آموزند در جهت رضای خدا و کسب کمالات انسانی باشد. در این صورت گاه و گندم را خواهند داشت یعنی هم سعادت و خوشبختی دنیا و هم رستگاری آخرت را بدست خواهند آورد

۲) صادق بودن

یکی دیگر از صفات اصلی یک مربی خوب آن است که نسبت به دانش آموزان، صادق و صمیمی باشد البته این صمیمیت باید با رعایت حریم معلم و شاگردی باشد. ملایمت و نرمی در گفتار و



کردار و اخلاق از دیگر ویژگی های مهم و لازم برای مربیان پرورشی و معلمان درس دینی است. معلم و مربی باید سوز تربیت داشته باشد و همه تلاش خود را صرف علم آموزی نکند و هدایت و ارشاد دانش آموز به سوی صراط مستقیم و سیر الی الله را سر لوحه عمل قرار دهد. انسان ها در پرتو سوز عشق معلم به تعلیم و تربیت ساخته می شوند نه علم آموزی صرف.

تعلیم تنها عامل نقل و انتقال داده های ذهنی است و مغز انسانها را پرورده می سازد اما سوز و عشق، جان را پرورش می دهد، دل را صیقل می دهد، مرده را زنده می سازد، گمراهان را به هدایت و ارشاد وا می دارد. (رشید پور، آشنایی بر تعلیم و تربیت اسلامی با تاکید بر روشها، ص ۳۲)

بکارگیری روش لطف و محبت در تربیت، پرورش دهنده عواطف و استعداد های بالقوه دانش آموزان است.

پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) فرمودند: فرزندان خود را شخصیت داده به تربیت کردن آنان بپردازید. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۴، ح ۱۲۳۴)

پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) سفارش به ایجاد رابطه ای بر خواسته از درک و همدلی بین معلم و شاگرد می نماید. معلم در عین حال که در ارتباط با شاگردان خود با درک متقابل و رحم و شفقت رفتار می کند، لازم است قاطعیت در برخورد و تصمیم داشته باشد.

۳) صبور و حلیم بودن

دشواری مساله تعلیم و تربیت و تغییر رفتار کودکان و نوجوانان نیازمند صبر و تحمل زیادی است که مربیان مهدوی باید از آن برخوردار باشند.

حلم و بردباری مربیان در ارتباط با متربیان حساسیت خاصی دارد. زیرا نوجوانان و کودکان در اثر بازی گویی و شیطننت ممکن است دچار خطاها و لغزش هائی شوند و موجبات ناراحتی بزرگترها را فراهم آورند اما استفاده از این شیوه، مربیان را بیشتر یاری خواهد کرد. و طعم شیرین مدارا و



گذشت را در آینده نزدیک خواهند چشید. این شیوه را در رفتار امام حسن (علیه السلام) به نظاره می‌نشینیم: «روزی امام حسن مجتبی (علیه السلام) سوار بر مرکب خویش، در یکی از معابر مدینه عبور می‌کرد. با مردی از اهل شام مواجه شد. آن مرد شامی تا حضرت را شناخت بی‌درنگ به لعن و نفرین امام (علیه السلام) پرداخته و سخنان ناشایستی را نثار امام (علیه السلام) کرد. حضرت امام مجتبی (علیه السلام) در همان حال با کمال خونسردی و بردباری تمام سخنان زشت و دشنام‌های ناروای او را با سکوت و صبر تحمل کرد و خشم خود را فرو می‌برد. تا اینکه مرد شامی عقده دل را خالی کرده و خاموش شد. در آن لحظه پیشوای دوم شیعیان باسلام بر آن مرد، سکوت آن چند لحظه خاموشی را شکسته و با لبخندی ملیح که حاکی از صفای دل آن جناب بود، لب به سخن گشوده و به آرامی فرمود: ای مرد! گمان می‌کنم که در این شهر غریب باشی و شاید هم مرا به اشتباه گرفته‌ای؟ حالا اگر از ما رضایت بطلبی، از تو راضی می‌شویم و اگر چیزی از ما بخواهی، به تو می‌بخشیم.

آن مرد وقتی با این برخورد کریمانه حضرت مواجه شد، آرام آرام احساس کرد که ناراحتی خاصی در درون وجدانش او را می‌آزارد. اشک ندامت بر گونه‌هایش لغزید و با لحنی خاضعانه و مؤدبانه عرضه داشت: شهادت می‌دهم که تو خلیفه خداوند بر روی زمین هستی، خداوند داناتر است که رسالتش را در کدام خانواده قرار دهد؛ تا این لحظه شما و پدرتان منفورترین خلق خدا نزد من بودید و اکنون شما را محبوب‌ترین فرد روی زمین می‌دانم.» (شهر آشوب المازندرانی، حدیث المناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۹)

۴) هنرمند بودن در تربیت

علاوه بر شایستگی اخلاقی که بدان اشاره شد، برای مریبی ویژگی‌های دیگری لازم است تا تربیت مؤثر باشد. از آن جمله: توجه به اصول و فنون تربیتی، آگاهی به شیوه‌ها، شناخت شرایط و



تطبیق برنامه با وضعیت روحی مخاطب، ایمان، اخلاص، حلم و حوصله، دانش و هنر مربی‌گری، اطلاع بر سیره و روش مربیان بزرگ به ویژه پیامبران و امامان که تناسب حال و ظرفیت و شرایط مخاطب را منظور می‌داشتند. (رشید پور، آشنایی بر تعلیم و تربیت اسلامی با تاکید بر روشها، ص ۴۵)

لذا مربی باید روال تربیت را به سوی استقلال‌متربی راهبری کند و از وابستگی دائم او به خود بکاهد. اگر قرار باشد فرایند تربیت تا ابد زیر نظر مربی ادامه داشته باشد، جریان تربیت با خطر جدی مواجه خواهد شد؛ چرا که مربی همواره همراه‌متربی نیست. بنابراین لازم است جریان تربیت به سمتی هدایت شود که ضرورت مراجعه به مربی آرام آرام کم شود و متربی بتواند مسیر رشد را مستقلاً طی کند. (عالم‌زاده‌نوری، نقش مربی در تربیت اخلاق معنوی، ص ۱۸۶)

بنابر این یک معلم و یک مربی مهدوی باید تمام خصلت‌ها و ویژگی‌های اخلاقی فوق را داشته باشد و از آنها در جهت ایجاد جامعه‌ای با رویکرد مهدوی استفاده نماید و اگر مربیان طبق همین ضوابط و مقررات در جهت پرورش مهدوی افراد گام بردارند یقیناً به جامعه‌ای آرمانی با هدف تربیت منتظران موعود (عج الله تعالی فرجه الشریف) خواهیم رسید.

انواع تربیت

الف: تربیت عقلانی - اعتقادی

در اسلام، عقل از جایگاه مهم و خطیری برخوردار است. بسیاری از اصول و مبانی اسلام، نظیر مبدأشناسی، راهنماشناسی و مقصدشناسی، براساس عقل اثبات می‌شوند، در قرآن نیز در آیات بسیاری ماده عقل و مفاهیم همسو با آن، استعمال شده است. خداوند، انسان‌ها را به خردورزی، عقل‌گرایی و تفکر و تدبّر دعوت کرده و آن‌ها را از قبول ایده‌ها و باورها بدون حمایت و پشتوانه عقل، بازداشته است.

بی‌شک نقش و کارکرد عقل، نه تنها در اثبات و تحکیم اصول و مبانی اسلام مهم است؛ بلکه در



فروع و مبادی احکام نیز نقش آن غیر قابل کتمان می‌باشد. (جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، ص ۱۹۰)

عقل به معنای نیرو و قوه تجزیه و تحلیل می‌باشد. (مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۷۶) و با درک و فهم و معرفت، هم سو هست. بارزترین خصوصیت انسان نسبت به حیوانات، داشتن قوه عاقله و درک عمیق‌تر درباره اشیاء اطراف خود است.

در عصر ظهور، عقل از طرفی و علم و دانش حقیقی از طرف دیگر، همانند دو بال، انسان را به افق‌های تازه‌ای از دانش و کشف حقایق هستی رسانده و آرزوی دیرینه بشر در دانش را محقق خواهد نمود

مشکل بشر امروز این است که به جای عقل، افسار خود را به دست امیال درونی خود داده است که نتیجه آن همانی می‌شود که ما می‌بینیم، دنیایی پراز نیرنگ و جنایت و خون ریزی که همه از عدم امنیت نگران هستند.

اما اگر اراده و اختیار انسان همانند عصر حکومت حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) به دست عقل باشد و عقل بین تمام قوای انسان مدیریت کند، جهان آن گونه می‌شود که باید باشد، جهانی زیبا که جرم و جنایت در آن رخت بر بندد و انسان‌ها به حقوق یکدیگر احترام گذارند. (امینی، آیین تربیت، ص ۱۳-۱۵)

همانگونه که دانستیم اعتقاد به مهدویت در بعد عقلانی و اعتقادی در راستای یکدیگر قرار دارند اما مهم‌ترین آموزه‌های اعتقادی بشر در دین اسلام مربوط به حوزه‌های توحید، نبوت و معاد و امامت و عدالت می‌گردد و تربیت کردن نسل مهدوی در این ۵ حوزه‌ی اعتقادی بسیار در خور اهمیت می‌باشد.

ب: تربیت اخلاقی

مقوله تربیت از ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای زندگی بشری است و انسان تنها در پرتو تربیت



صحیح است که به عنوان موجودی هدفمند و اندیشه ورز به اهداف و آرمانهای خود رسیده و قلّه سعادت را در تمام جنبه‌های آموزش، فتح کرده است. در این رهگذر در دوران چالش بر انگیز فرایند جهانی شدن، پرداختن به تربیت اخلاقی ضرورتی مضاعف دارد که می‌تواند با استعانت از تعالیم و روایات و سیره عملی ائمه، راه صحیح برای رسیدن به جامعه مهدوی را طی کند.

انسان برای زندگی اجتماعی خود ناگزیر از وضع قوانین و اطاعت از آن است. در اجتماع، قوانین سعی می‌کنند حدود هر کس را تعیین و آنان را موظف به رعایت حقوق دیگران نماید. این قوانین گاه به مقررات اجتماعی و گاهی به اخلاق اجتماعی شهرت پیدا کرده اند. این مقررات و یا اخلاق اجتماعی در واقع نیازی ثانوی برای زندگی اجتماعی انسان به شمار می‌آیند. انسان به طور طبیعی نیازمند به این گونه قوانین نیست، بلکه از آن جایی که برای رفع حوائج خود ناگزیر از زندگی اجتماعی است، لذا این مقررات را برای تنظیم حیات اجتماعی خویش وضع و رعایت می‌کند. مقصود از نیاز انسان به اخلاق، نیاز به مقررات اجتماعی و بین فردی نیست، بلکه مقصود از نیاز به اخلاق، تمایل طبیعی آدمی برای داشتن کمالات و خیرات اخلاقی است. انسان گذشته از این که در اجتماع زندگی می‌کند، فضیلت را دوست دارد و طالب آن است. انسان اگر در جهان به تنهایی هم زندگی کند، باز خود را مجاز به انجام هر کاری نمی‌داند.

او از این که بر نفس خویش مسلط باشد، احساس لذت می‌نماید و این سرمایه اولیه اخلاق به شمار می‌آید. آدمی از ضعف خویش در مقابل خواسته‌ها و تمایلات، احساس ناخرسندی می‌نماید. از این رو از ضعف عقل‌گریزان بوده و تمایل به حاکمیت عقل بر حیات خویش دارد. و اخلاق نیز از عقل ناشی می‌شود. (گنجی، روانشناسی عمومی، ص ۱۶۴-۱۸۵)

اگر تنها بخشی از جامعه منتظر در چهارچوب‌های اخلاقی و دینی قرار نگیرند و رفتارها و رویه‌های غیرهمسان و یا تباه آلود اتخاذ کنند، حرکت جمعی منتظران با مشکل روبرو شده و ناراستی



ها و رذایل اخلاقی گسترش خواهد یافت. در واقع جامعه منتظر، مانند یک کشتی بزرگی است که یاران و باورمندان به منجی موعود را، به سمت یک هدف و مقصد روشن انتقال می دهد و اگر کوچک ترین کاستی و ناراستی در میان سرنشینان کشتی بوجود آید، رسیدن به آن سرمنزل و مقصد، دشوار و سخت خواهد بود.

تجارب انباشته تاریخی بشر گویای این مطلب است که هر جامعه ی از مقوله اخلاق و اهتمام بدان فاصله بگیرد و بهای لازم را برای پاسداشت نظری و عملی آن نپردازد، متحمل خسارت های جبران ناپذیر شده و به سرعت راه انحطاط را خواهد پیمود. بنابراین، آگاهی از چگونگی تربیت در جامعه مهدوی، راهکاری را برای مبارزه با فراز و نشیبهای عصر جهانی شدن در اخلاق حرفه ای مربیان بوجود می آورد.

بر این اساس؛ جامعه مهدوی بر پایه دولتی اخلاقی (دولت کمال گرا و اخلاق محور) بنا شده، که مبتنی بر ارزشهای اخلاقی، دینی و عقلانی است.

ج: تربیت اجتماعی

انسان در طول تاریخ، هیچ گاه از اندیشه و رؤیای (به زیستن) فارغ نبوده و نگاه او همواره برای یافتن آینده ای بهتر و سامان یافته تر، دوخته شده است .

رؤیای مزبور در زندگی انسان، به گونه های مختلفی تبلور یافته و اندیشمندان هر عصری، برای تعبیر شدن آن، چاره ها اندیشیده و آن را در قالب (مدینه فاضله) مطرح کرده اند که در آن از نابسامانی و دغدغه های جوامع موجود، اثر و نشانی نباشد. از مدینه فاضله افلاطونی گرفته تا مدینه فاضله فارابی و از مدینه فاضله کمونیست ها و سوسیالیست های تخیلی و بهشت موعود آنان، گرفته تا مدینه فاضله عصر روشنگری و انسان مداری آنها به خیال خود بشر را از قید و بند دین و آداب و تکالیف دینی آزاد نموده و انسان را محور همه چیز قرار داده اند و دین و مذهب انسانیت را پایه گذاری کرده اند .



اما (مدینه فاضله موعود) اسلام، که در قرآن و روایات وعده تحقق آن داده شده، غیر از این مدینه‌های فاضله‌ای است که دیگران مطرح کرده‌اند؛ زیرا ویژگی‌های مدینه فاضله اسلامی - که در عصر حکومت حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) تحقق پیدا خواهد کرد - به گونه‌ای است که آن را از سایر مدینه‌های فاضله پیشنهادی دیگران، ممتاز می‌سازد. (شفیعی سروستانی، استراتژی انتظار، نشر موعود عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف)، شماره ۱۵)

در واقع مدینه فاضله موعود شهری است که تمام افراد جامعه در این شهر پایبند به تعالیم دینی و دستورات الهی هستند و در بعد تربیت اجتماعی نیز جامعه باید سیاست‌هایی را در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در پیش گیرد تا جامعه را به سمت مدینه فاضله موعود بکشاند و افرادی را پرورش دهد که اعتقاد راستین به مقوله مهدی یآوری داشته باشند.

در این بحث به تفکیک به بیان ابعاد تربیتی در نسل منتظر در جامعه نسبت به ابعاد: سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بیان خواهد شد

۱- تربیت اجتماعی در بعد فرهنگی

انتقال فرهنگ مهدویت به نسل نو و کسانی که آشنایی کمتری با امام عصر، حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) دارند، کار بسیار سخت و در عین حال، باظرافتی است و کمترین کج سلیقه‌ی در آن، باعث وازدگی از این فرهنگ خواهد شد. زیرا فرهنگ مهدویت، فرهنگ ارزش‌ها و همان فرهنگ دین است و همان طور که انتقال ارزش‌های دینی بدون ظرافت‌های خاص خود، ممکن نیست، انتقال فرهنگ مهدویت به نسل نو و تربیت آنها به عنوان نومنتظران ظهور حضرت (عج الله تعالی فرجه الشریف) نیز، بدون شیوه‌های خاص خود ممکن نخواهد بود.

اگر فضاهای آموزشی ما با فضای منزل هماهنگ نباشد، اثرات مثبت فضای منزل را نیز از بین خواهد برد. و مهم‌ترین مسئله‌ای که در این مرحله قابل دقت و تأمل است، مسئله لزوم هماهنگی



نظام آموزشی با نظام ارزشی است. متون آموزشی مراکز علمی، باید با فرهنگ مهدویت همخوانی داشته باشد. در غیر این صورت تربیت هم سو با فرهنگ مهدویت، بسیار سخت و بلکه غیرممکن خواهد بود.

در این راستا راهبردهای زیر در عرصه مهدویت باید مورد توجه قرار گیرد:

الف. مهم ترین راهبرد فرهنگی ما در عرصه فرهنگی، خروج مهدویت از حاشیه به متن و از فرعی به اصلی بودن و از غیر قابل دسترس بودن به امری دست یافتنی و عینی است.

ب. الگوهای فرهنگی (آموزشی، تربیتی، اخلاقی و...) از آموزه مهدویت استخراج گردد و در اختیار سازمان های فرهنگی، آموزش و پرورش، دانشگاه ها، کارشناسان و دست اندرکاران فرهنگی کشور و... قرار داده شود تا در فهم بهتر آینده و استفاده از آنها در برنامه های خود، به این الگوها مراجعه شود.

ج. شکل گیری «هنر مهدوی» در عرصه سینما، تلویزیون، نقاشی و تصویر سازی، شعر و داستان و... باید مهم ترین راهبرد ما در جهان امروز باشد. هنر مهدوی، ضمن اینکه توجه خاصی به آینده و آینده نگری دارد، ارزش های متعالی مطرح در اندیشه مهدویت را دست مایه فعالیت های خود ساخته و به بازسازی و نشان دادن هنرمندانه آنها می پردازد. هنر مهدوی با سرمایه گذاری بر روی مباحث اصیلی چون فطرت گرایی، آرمان خواهی، کمال خواهی، آرامش و امنیت فردی و جمعی، قسط و عدل، سعادت و لذت واقعی، عبادت و معنویت گرایی، تنعم و آسایش همگانی و... می تواند حرف ها و پیام های فاخر و استواری را در جهان بزند.

د. خانواده مهدوی، محله مهدوی، مدرسه مهدوی، دانشگاه مهدوی، اداره مهدوی، شهر مهدوی، نظام مهدوی و... الگوها و نمادهایی هستند که توان بالای تبلیغی و فرهنگ سازی در اصلاح و بهبود امور و تشکیل جامعه صالح قبل از ظهور را دارند. در واقع شبیه سازی جامعه منتظر به جامعه



مطلوب و آرمانی و بیان انتظارات و خواسته های مهدی موعود از آن جامعه و حرکت به سمت وضع مطلوب و آرمانی، می تواند بسیار مهمی شایانی به مهندسی فرهنگی جامعه بر اساس معارف قرآنی و رویکرد مهدوی داشته باشد و فضای معنوی اجتماع منتظران را دگرگون سازد. (اسماعیلی، فصلنامه انتظار موعود، مهدویت و وضعیت سیاسی، شماره ۳۴)

۲. بعد سیاسی

در دنیای غیرفاضله طیف بندی احزاب، جریانات، جناح های سیاسی و گروه بندی های سیاسی به خاطر برداشت و نگرش متفاوت از منفعت، توسط احزاب و گروه ها از یک سو و از سوی دیگر محدودیت به دلیل منابع موجود، این احزاب و جریانات با یکدیگر رقابت می کنند. پس در زندگی غیر فاضله، قدرت معطوف به منافع است تا انسان ها بتوانند در قالب احزاب، تشکل ها، جریانات و جناح های سیاسی، منافع بیشتر را تصاحب کنند. از همین رو ماهیت رقابت سیاسی هم صرفاً معطوف به همین منافع قدرت است.

در جامعه و نظام سیاسی مهدوی (عج الله تعالی فرجه الشریف)، رابطه قدرت بازپچه منافع نیست بلکه در واقع جامعه ای است که انسان ها تلاش خواهند کرد تا به سعادت نائل شوند.

در واقع در نظام سیاسی مهدوی (عج الله تعالی فرجه الشریف) به دلیل علم کامل امام معصوم (علیهم السلام) و عدم برداشت ها و قرائت های مختلف، مردم با هم در رسیدن به زندگی نیک اختلاف نخواهند داشت. البته تفاوت سلیق و شیوه ها، امری طبیعی است و در مورد نظام سیاسی مهدوی هم قابل طرح است. اما اصول و کلیات نظام سیاسی مهدوی (عج الله تعالی فرجه الشریف) در سایه تبعیت همه مردم از یک انسان کامل با هدف سبقت جویی در رسیدن به خیر و فضیلت، ماهیت رقابت و زندگی سیاسی را دگرگون خواهد نمود. با این توضیحات می توان گفت: که بازی جناحی، سیاسی و گروهی در نظام سیاسی مهدوی (عج الله تعالی فرجه الشریف) منطبق خود را از دست داده و جناح بندی ها



و احزاب به این صورتی که در نظام های غیر فاضله وجود دارد، در نظام فاضله قابل تصور نیست؛ ماهیت زندگی سیاسی دگرگون و متفاوت می شود و رقابت بر سر منافع، به سبقت در خدمت تبدیل می شود. در این نظام رقابت در رسیدن به سعادت و فضیلت است. در نظام سیاسی مهدوی (عج الله تعالی فرجه الشریف) بدلیل نزدیکی انسان ها به کمال نظام سیاسی بر اساس سبقت جویی در خدمت شکل خواهد گرفت.

منطق نظام سیاسی مهدوی (عج الله تعالی فرجه الشریف) چیز دیگری است. در این نظام که مبتنی بر حضور رهبر صالح و انسان کامل است، مشارکت متعهدانه و فعال مردم، هم برای رسیدن به سعادت خودشان است و هم زمینه سازی سعادت دیگران. در این نظام حضور انسان کامل و آگاهی مردم به محدودیت خود سبب می شود آنها با شیفتگی و درایت از رهبر و امام معصوم (علیهم السلام) پیروی نمایند. مشارکت سیاسی مردم در نظام مهدوی، مشارکتی فعال و متعهدانه است یعنی هم یک تعهد است و هم یک حق که فعالیت بکند اما در نظام های سیاسی غربی به خصوص در نظام سیاسی لیبرال دموکراسی، صرفاً می گویند: شما مشارکت سیاسی فعال داشته باشید تا حق خودت را بگیرید، اما هیچ تعهدی نسبت به مصالح جمع و مصالح دیگران ندارید. در غرب الگوی مشارکت سیاسی مطلوب، مشارکت سیاسی فعال است. اما در نظام مهدوی، مشارکت سیاسی فعال و متعهدانه توصیه می شود.

مهمترین ویژگی نظام سیاسی مهدوی (عج الله تعالی فرجه الشریف) نقش و حضور تعیین کننده انسان کامل و امام معصوم (علیهم السلام) یا همان منجی موعود، حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان رهبر و رئیس اول نظام سیاسی است. با توجه به این که در نظامهای سیاسی فاضله، قدرت معطوف به سعادت است، رقابت در منافع دنیوی، امام معصوم (علیهم السلام) برای تأمین چنین سعادتی نقش کلیدی دارد. امام معصوم (علیهم السلام) به دلیل ویژگیهای خاصی که خداوند او را برگزیده



است، راهبر مردم به سوی سعادت است. در چنین ساختاری مردم هم حضور فعال دارند اما حضور فعال و متعهدانه‌ای هدف آن تصاحب منافع دنیوی بیشتر نیست، بلکه رقابت برای سبقت جویی در سعادت و ایمان است.

لذا با توجه به این مسایل که جامعه مهدوی باید تمام تلاش و نیروی خود را به کار برده و به مطالعه و مفهوم شناسی دقیق وضعیت دولت‌ها و سیاست‌های بین الملل بپردازد و از آنجا که برپایی حکومت مهدوی آسان نبوده و به همراه جنگ علیه باطل است جامعه مهدوی در این حوزه باسد افرادی را پرورش دهد که توان یاری به حضرت را داشته باشند و نیز به تکتیک‌هایی جنگی آگاه باشند و با توجه به پیشرفت سلاح‌های جنگی جامعه مهدوی باید به جدیدترین تسلیحات لازم جهت خدمت رساندن به امام زمان ا و یاری ایشان را داشته باشند .

از این رو ضرورت و پرداختن به مساله مهدویت و بحث ایجاد آمادگی‌های لازم در اجتماع در بعد سیاسی جهت یاری رساندن به امام زمان ا و آماده کردن افراد و جامعه روشن می‌گردد.

۳. بعد اقتصادی

تردیدی نیست که مترقی‌ترین جامعه بشری از آغاز خلقت تا پایان دنیا، جامعه مهدوی است؛ چرا که عصر ظهور امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) و حکومت مهدوی، از ابعاد برجسته‌ای برخوردار است که یکی از آن‌ها بُعد اقتصادی آن است. این موضوع در موفقیت و گسترش سریع قیام و نیز اقبال عمومی به سوی حکومت عدل گستر آن حضرت، نقش بسزایی دارد.

نظام ارزشی اسلام، خوشبختی دنیا و آخرت انسان را به طور همزمان مورد توجه قرار داده و دنیا را مزرعه آخرت معرفی کرده است.

بر این مبنا، هر رفتار اقتصادی مفید که در حوزه ارزش‌های اسلامی مجاز باشد، مطلوب و شایسته

است. (حیدری کاشانی، مجله موعود، ش ۴۳)



قرآن کریم یکی از مهمترین عوامل اطاعت از یک حکومت مشروع را تأمین معیشت و ساماندهی اقتصادی آن‌ها معرفی می‌کند. در سوره قریش، آیات ۳ و ۴ آمده است: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ، الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»، (قریش، آیات ۳ و ۴) پس باید پروردگار این خانه کعبه را بپرستند. آن خدایی که آن‌ها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت.

پس همه نهضت‌ها، انقلاب‌ها و حکومت‌ها - خصوصاً یک حکومت الهی - هم برای گسترش یافتن و هم برای باقی ماندن و تحکیم موقعیت خود، نیازمند تکثیر ثروت‌ها، درآمدی مناسب و نیز هزینه بجا و توزیع عادلانه آن‌ها هستند. نیز تردیدی نیست که حفظ دین و فرهنگ دینی و دیگر مظاهر و شؤون دین، همچنین گسترش و تبلیغ آن، نیازمند قدرت مالی و اقتصادی است. (جهانیان، جهانی سازی؛ عدالت اقتصادی و مهدویت، ص ۱۸)

هنگامی که آدمی در مسیر رشد عقلانی خود به ضرورت برنامه‌ریزی در زندگی خویش پی بُرد، آن را در نظام‌های اجتماعی به عنوان ابزاری در خدمت مدیریت و رهبری، مورد توجه قرار داد. امروز می‌بینیم که ساختار وجودی سازمان‌ها پیچیده شده‌اند که بدون برنامه‌ریزی‌های دقیق نمی‌توانند به حیات خود تداوم بخشند. برای دست یافتن به هدف مورد نظر، باید پیش از تلاش فیزیکی یا اقدام به انجام کار، تلاش ذهنی یا برنامه‌ریزی کافی صورت گیرد.

از این رو، نقش برنامه‌ریزی صحیح و تأثیر آن در رونق و پیشرفت امور جامعه بسیار مهم است؛ و پیداست که برنامه‌ریزی اقتصادی نیز از ضروری‌ترین کارها برای دستیابی به پیشرفت است.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «لَا فِقْرَ مَعَ حُسْنِ تَدْبِيرٍ» (تمیمی آمدی، غررالحکم، ج ۲، ص ۳۷۰)؛ با تدبیر و برنامه‌ریزی خوب، دیگر فقری نخواهد ماند.

لذا جامعه ای که دارای رویکرد مهدوی است و در پی تربیت نسلی مهدی یاور است واجب است که با انجام دادن فعالیت‌های اقتصادی و شکوفایی اقتصاد جامعه، بوجه و هزینه لازم را جهت



بستر سازی جامعه برای ظهور حضرت و و حتی در دوران ظهور نیز فراهم سازد.

کارکردهای تربیت نسل منتظر

انتظار، حالتی امیدوار کننده و نجات بخش است که منتظران را در دوران سیاه غیبت از گرداب حیرت، تردید و ظلمت نجات می بخشد و انسان ها را به سوی وادی نور رهنمون می نماید. انتظار، غم زدگان را حیاتی دوباره می دهد و نیرویی تازه به انسان می بخشد و دل های افسرده را امیدوار می کند و جهانی از شادکامی، بهروزی و درخشندگی را در اذهان انسان ها پرورش می دهد؛ چرا که انتظار واقعی با سه رکن مهم: کسب معرفت، باور به جهان آینده و حرکت و تلاش توأم است. پس سعی کنیم زندگی مان همراه با انتظار باشد؛ چون انتظار و نهادینه کردن فرهنگ آن در پویایی و تکامل زندگی فردی و اجتماعی نقش بسزایی دارد.

بشریت در طول تاریخ و در حیات اجتماعی، همیشه گرفتار مشکلاتی از سوی قدرتمندان و ستمگران و قویدستان و مسلطنین برامور انسان های مظلوم بوده است. امید، موجب می شود که انسان مبارزه کند و راه را باز نماید و پیش برود. و تاثیراتی را بر محیط و جامعه می گذارد که ما در ذیل به بیان برخی از این کارکردها در سطح اجتماع می پردازیم. (مرشدی، امام امام (علیه السلام) سیره و شخصیت، مجله ولایت، ش ۲۱)

۱. سلامت اخلاقی جامعه

از جهات تربیتی و اخلاقی فرد سالم، زمینه ساز جامعه سالم و جامعه سالم، عامل تداوم و بقای فرد سالم است و این دو در تعامل با یکدیگرند. بنابراین نوعی التزام منطقی میان سلامت اخلاقی فرد و سلامت اخلاقی جامعه، وجود دارد.

مصونیت دین، در پرتو تقوا امکان پذیر است. همان عاملی که عمل به آن، یکی از مهم ترین وظایف شیعیان و پیروان امام عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) در زمان غیبت است. (بنی هاشمی، معرفت



امام عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف)، ص ۳۱۰)

زیرا آن حضرت، معنای تقوا است و انتظار منطقی آن است که منتظرانش نیز از نوعی سختی نسبی با ایشان برخوردار باشند تا در اظهار محبت و ارادت آنان به آن حضرت، نشانه‌ای از صداقت، مشاهده شود.

از سوی دیگر، در راس فرمایشهای معصومین: سفارش به تقوا به چشم می‌خورد؛ قسم به خدا، شما بر دین خدا و فرشتگان او هستید، پس ما را نسبت به این امر (دینداری خودتان) به وسیله ورع و اجتهاد یاری نمایید. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۷، ح ۲۰۴۱۰)

۲. احیای روابط عاطفی و اخلاقی

هدف تمام روش‌هایی که برای پیش‌گیری از کج‌روی جوانان به کار برده می‌شود، برقراری مجدد روابط عاطفی و سازگاری از دست رفته کج‌روان و هنجارشکنان جامعه است.

انتظار فرج، روح تازه‌ای است که اگر در کالبد جوانان دمیده شود، آنان را پای‌بند ارزش‌ها و هنجارهای دینی می‌کند. در پرتو انتظار سازنده، الگوی رفتار مناسبی برای جوانان معرفی می‌شود و «گروه مؤمنان» با سعه صدر و اخلاق حسنه، بارقه‌های امید را در دل ناامیدان روشن می‌کنند. بدین ترتیب، آنان به زندگی همراه با معنویت در پیوند با امام (عج الله تعالی فرجه الشریف) ترغیب می‌شوند و انگیزه لازم برای متعهد شدن به هنجارهای جامعه دینی را به دست می‌آورند. هم‌چنین با برخورداری مهرورزی و واکنش‌های عاطفی، زمینه بازگشت آنان به دامن پر مهر مهدوی فراهم می‌شود و به ندای مولای خویش، امام (عج الله تعالی فرجه الشریف) که آنان را به تلاش فرامی‌خواند، پاسخ مثبت می‌دهند.

وظیفه منتظران، پیوند دادن و آشنا کردن مردم با امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) و گوشزد کردن دوستی و محبت حضرت به آنان است تا خود را در جهت پیوند معنوی با امام زمان (عج الله تعالی



فرجه الشریف) متعهد و پای‌بند به هنجارهای دینی گردانند و از هنجارشکنی و کج‌روی دست بردارند. منتظر واقعی کسی است که به خود‌سازی بپردازد، معارف، ارزش‌ها و محبت آنان را نشر دهد و به دیگران بیاموزد تا مکتب اهل‌بیت احیا شود؛ امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَيْنَا فَحَدَّثْتَهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ تَرَكَ مَا يُنْكِرُونَ» (موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۴۰)

خداوند رحمت کند بنده‌ای را که مودت مردم را به سوی ما کشاند و به آن چه می‌شناسند با آنان سخن بگوید و آن چه را منکرند واگذارد.

بنابراین، منتظران براساس شفقت بر هم‌نوعان، احسان به خلق و مهرورزی و رعایت قوانین اجتماعی، به وحدت انسانی در سطح جهانی با هم‌نوعان می‌اندیشند آنان تکیه‌گاه مردمند و دیگران به ایشان امیدوارند. مردم برای حل معضلات فردی و اجتماعی خویش، به منتظران، چشم امید دارند و به آنان اعتماد می‌کنند

۳. معنادار شدن زندگی

یکی از پی‌آمدهای گسترش ناهنجاری و کج‌روی در جامعه، بی‌معنا شدن زندگی است. در جامعه‌ای که افراد به ارزش‌ها و هنجارها پای‌بند نباشند و سنت‌ها و مقررات جامعه به طور گسترده نادیده گرفته شود، نظم اجتماعی مختل می‌گردد، و زندگی کردن در آن محیط ناخوش آیند می‌شود. به نظر مرتن افراد مشاهده کنند بین اهداف متعالی زندگی و ابزار مقبول اجتماعی، فاصله و شکاف است همین، مسئله سبب فشار و ایجاد ناهنجاری و کج‌روی در بقیه افراد می‌شود. (صدیق سروستانی، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۴۴)

همان‌گونه که می‌دانیم، یکی از پی‌آمدهای کج‌روی و ناهنجاری‌ها و عوامل تداوم و شیوع آنها در جامعه، ناامید شدن ناهنجاران از بازگشت به زندگی سالم و به تعبیر دقیق‌تر، جامعه‌پذیر شدن



مجدد و پذیرش عضویت آنها در جامعه است. معمولاً بعضی از افراد کج رو مثل معتادان پس از ترک اولیه و بعد از مدت کوتاهی، درمی یابند زندگی آبرومندانه برایشان مهیا نیست. بنابراین، برای رسیدن به زندگی متعادل، دچار سرخوردگی و در برابر سرنوشت جامعه، بی رغبت می شوند. این ناامیدی، آنها را به ادامه دادن به ناهنجاری گذشته تشویق می کند. در این میان، به تعبیر امام صادق (علیه السلام)، منتظران، هدایت یافتگانند: «طوبی لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا فَلَمْ يَرِغْ قَلْبُهُ بَعْدَ الْهِدَايَةِ» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳)؛ خوشا به حال کسی که در زمان غیبت قائم ما، به امر ما چنگ زند؛ زیرا پس از هدایت شدن، قلبش نخواهد لغزید.

این گروه به وظیفه خود در مهرورزی عمل می کنند و با معرفی راه بازگشت کج روان به جامعه دینی، امید به زندگی را در وجود آنها شکوفا می کنند و آنان را به خود آگاهی می رسانند. (گیدنز، جامعه شناسی، ص ۲۱۰)

در این صورت، هنجارشکنان به دامان پر مهر جامعه دینی برمی گردند و می فهمند که وجود و سرنوشتشان در جامعه، برای دیگران مهم است. این آگاهی از هویت اجتماعی که خود را عضوی از جامعه می دانند، آنان را در جریان اعمال گذشته، یاری می کند و مانع از هنجارشکنی مجددشان می شود. بدین ترتیب، شیوه زندگی صحیح را می آموزند و در پیوند مستحکم با جامعه، هنجارهای زندگی دینی را رعایت می کنند. (بنی هاشمی، معرفت امام عصر (عج الله تعالی)، ص ۳۰۵)

۴. سازندگی جامعه

جامعه از انسان های مختلف با افکار، اهداف، آرزوها، رفتار و گفتار گوناگون و با سطوح مختلف مادی و معنوی تشکیل می شود. هر یک از افراد اجتماع از یک سو بر جامعه ای که در آن زندگی می کنند، به میزان شخصیت وجودی خود تاثیر می گذارند و از سوی دیگر از جامعه تاثیر می



پذیرند. بنابراین تغییر افکار، اهداف و رفتار تک تک انسان ها در حد خود به منزله تغییر مکانیسم و ساختار جامعه محسوب می شود.

انتظار فرج و امید به آینده ای درخشان تغییر اساسی در رفتار و گفتار انسان ایجاد می کند، پس همانگونه که در سازندگی یک یک انسان ها موثر است در سازندگی جامعه نیز که از همان انسان ها تشکیل شده تاثیر خواهد گذاشت.

اعتقاد به ظهور مصلح کل و اینکه زمانی میرسد که تمام نابسامانیهای اجتماعی برطرف خواهد شد. انسان را وادار می کند که علاوه بر اصلاح خویش در جهت اصلاح دیگران نیز کوشش نماید، زیرا اصلاحات زیربنایی اجتماعی که انتظار آن را می کشند، یک عمل فردی نیست.

بلکه کاری است که تمام انسان های متعهد و متقی باید در آن شرکت کنند و تلاش های آنان هماهنگ و یکپارچه باشد و در یک فعالیت بزرگ و گسترده که پهنه گیتی را در بر می گیرد هیچ کس نمی تواند از حال دیگران غافل باشد بلکه باید بر اساس مسئولیتی که بر عهده هر انسان صالحی هست هر جا ضعفی را مشاهده کرد برای اصلاح آن بکوشد.

لذا بر اساس بینش الهی، منتظران واقعی علاوه بر اینکه خود را از نظر فکری، عملی و اخلاقی اصلاح می کنند، در برابر نابسامانی های اجتماعی نیز ایستادگی می کنند و به امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک فریضه مهم الهی که تحقق سایر دستورات خدا به آن بستگی دارد می نگرند. به نظر آنها ظهور حضرت مهدی (عج الله تعالی) حلقه ای است از حلقه های مبارزه حق بر علیه باطل که در طول تاریخ استمرار داشته و این آخرین حلقه های آن مبارزه است که به پیروزی نهایی حق می انجامد.

۵. تقویت روحیه بیکارو پایداری در راه نامالامت

اندیشه «انتظار» و اعتقاد به آن، روح مقاومت و پایداری را در فرد و جامعه زنده نگه میدارد.



مقاومت و پایداری (صبر) یعنی حفظ و حراست از ارزش های انسانی و الهی و ایستادگی در برابر فشارها و تهدید های عوامل باطل، و نیز مقاومت و ایستادگی در برابر بیداد و ستمگری زورمداران و تلاش برای بسط عدالت و دادگری.

از آن جا که در همیشه تاریخ زورمداران و زوراندازان، فریب کاران و سیاست بازان، دست در دست هم بر کرده مردم تازیانه ستم فرود می آورند و انسان ها و جامعه های انسانی را به بند کشیده استثمار می کنند و بر آنان تحقیر روا می دارند، دین خدا را از صحنه زندگی اجتماعی کنار زده و پیامبران خدا را می کشند و فریاد منادیان حق و آزادی و عدالت را خاموش می کنند، مقاومت در برابر آنها یک وظیفه بزرگ الهی است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». (آل عمران، آیه ۲۰۰)؛ انتظار روح حماسه و پیکار را در انسانهای زنده نگه میدارد و انسان

منتظر همواره در آمادگی نظامی و تدارک نیرو و کسب نیرومندی و سلحشوری به سر می برند. جامعه منتظر نیز که خواهان استقرار حکومت واحد جهانی مبتنی بر قسط و عدل است، با شناخت مواضع صحیح حرکت، و تحمل و پایداری نسبت به دشواری های راه و با پیروی از خط ممتد رهبری به وحدت عمومی رسیده و با حضور در صحنه های پیکار (نظری و عملی) و همیاری و همکاری انسان های خداجوی عدالت خواه، آماده قیام شده و بلکه اقدام به قیام های زمینه ساز انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج الله تعالی) می کند.



نتیجه بحث

نتیجه ای که از پژوهش نگارش شده به دست آمده این است که تربیت مهدوی در پرتو انتظار یعنی کسب آمادگی و رشد لازم برای حضور زنده و فعال منتظران در عرصه های سیاسی و ملی و



جهانی. این نوع از تربیت که با تأکید بر نقش انسان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی شکل گرفته در صدد اصلاح امروز جامعه اسلامی و زمینه سازی برای ظهور منجی است.

منشاء اکثر غفلتها و بی خبریها و چیره شدن جهالت و نادانی بر جامعه، و کوتاهی و نارسائیهای مردم در شناخت فرایض، عبارت از کمبودهایی است که در قیام به وظایف شرعی و اداء آیین و راه و رسم دین مقدس اسلام، به چشم می خورد.

این رفتار موجب می شود که جاهل و نادان به نادانی و جهل، بیش از پیش گرایش یافته و افکار تبهکار، فزونتر از هر زمان در فساد و تبهکاری غوطه ور گردند.

بنابر این بر مربیان تربیتی لازم و ضروری است که در بعد عقلانی و اعتقادی و اخلاقی و اجتماعی به شناخت کاملی از وجوهات متصوره در آن برسند تا بتوانند کودکان را نیز با توجه به همین ابعاد مهدوی پرورش دهند.

و از آنجا که مهدویت یکی از ویژگی‌های اساسی و شناسه‌های مذهب تشیع در میان مذاهب اسلامی است که دارای انرژی متراکمی است که اگر به خوبی شناخته و از آن بهره‌برداری شود رمز نجات انسان امروز از بن بست‌ها و ناامنی‌ها خواهد بود.

مقوله مهدویت، از ظرفیت‌ها و استعدادهای فراوانی برخوردار است که اگر خوب شناخته شود نقش تعیین کننده‌ای را در حیات انسان خواهد داشت؛ متأسفانه کوتاهی در شناخت ابعاد این آموزه بلند، زمینه‌ساز عدم بهره‌برداری از آن شده و گاه منشاء خمودگی و رکود تلقی گردیده است.

این تربیت، افزون بر واجب بودن در آموزه‌های دینی، کارکردهای مثبتی برای جامعه اسلامی و خود شخص به ارمغان می‌آورد.

لذا با عنایت به اینکه مربیان نقش به‌سزایی در تربیت مهدوی دارند از همین جهت برای خللها و رفع نواقصی که در زمینه پرورش مهدوی افراد وجود دارد و زمینه سازی برای تشکیل جامعه ای



مهدوی را به تاخیر می اندازد، راهکارهای زیادی از جمله توجه بیشتر به مقوله انتظار وجود دارد .



منابع

*قرآن کریم.

۱. امینی، ابراهیم، آیین تربیت، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸.
۲. بنی هاشمی، سید محمد، معرفت امام عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف)، تهران، نیک معارف، ۱۳۸۹.
۳. جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، قم، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۲.
۴. حر عاملی، محمد بن الحسین، وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- ۵- رشید پور، مجید، آشنایی بر تعلیم و تربیت اسلامی با تاکید بر روشها، بی نا، تهران، ۱۳۷۵.
- ۶- شفیعی سروستانی، اسماعیل، استراتژی انتظار، تهران، نشر موعود عصر (عج)، ۱۳۸۹.
- ۷- شهر آشوب المازندرانی، محمد بن علی، حدیث المناقب آل ابی طالب، قم، بی نا، بی تا.
- ۸- صدیق سروستانی، رحمت الله، آسیب شناسی اجتماعی، تهران، سمت، ۱۳۸۸.
- ۹- عالم زاده نوری، محمد، بوسلیکی، حسن، مرادی، حسین، نقش مربی در تربیت اخلاق معنوی، بی جا، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲.
- ۱۰- کاردان، علی محمد، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۴.
- ۱۱- گنجی، حمزه، روانشناسی عمومی، تهران، ساوالان، ۱۳۸۶.
- ۱۲- گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات نشر نی، ۱۳۸۴.



۱۳- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴.

۱۴- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۳.

۱۵- موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم، قم، تحقیق و نشر مؤسسه امام مهدی (عج الله

تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۶۳.



نشریات و مجلات

اسماعیلی، فصلنامه انتظار موعود، مهدویت و وضعیت سیاسی، شماره ۳۴.

جهانیان، ناصر، جهانی سازی، عدالت اقتصادی و مهدویت، مجله انتظار، ش ۲۰۲۷.

